

عنوان: تعیین‌کننده‌های ترک تحصیل دانش‌آموزان در ایران؛ یک مرور سیستماتیک

محسن نوغانی دخت بهمنی^۱ و مهلا محمدی^{۲*}

اطلاعات مربوط به مقاله	چکیده
کلید واژگان ترک تحصیل، رویکرد سیستمی، عوامل درون مدرسه، عوامل برون مدرسه، مرور سیستماتیک.	آموزش به منزله یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی جوامع، نقش عمده‌ای در رشد و توسعه ملی کشورها دارد. در حالیکه شیوع مسئله ترک تحصیل خصوصاً در کشورهای درحال توسعه، با داشتن پیامدهای متعدد در سطح خرد، میانه و کلان، می‌تواند مانعی بر تحقق اهداف توسعه شده و کشورها را با هدر رفت هزینه و منابع روبرو سازد. از این رو در مطالعه‌ی حاضر به شیوه مرور سیستماتیک، و بررسی ۲۷ مقاله داخلی که پس از عبور از یک پروتکل منظم انتخاب شدند، به استخراج تعیین‌کننده‌های ترک تحصیل پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد عوامل موثر بر ترک تحصیل در دو دسته عوامل درون مدرسه که ذیل آن می‌توان به چالش‌های فضای آموزشی، چالش‌های فرهنگی-اجتماعی و فردی پرداخت (عوامل آموزشی دارای بیشترین فراوانی بود) و عوامل برون مدرسه که ذیل آن می‌توان به سرمایه فرهنگی و اقتصادی کم مقدار، چالش‌های فردی، اجتماعی و امنیتی-محیطی اشاره داشت (عوامل فرهنگی دارای بیشترین فراوانی بود). جهت ارائه راهبرد و مداخله باید توجه داشت به دلیل اینکه مجموع این عوامل به تنهایی موجب ترک تحصیل نشده و در برهمکنشی پویا قرار دارند، بنابراین ارائه راهبرد باید با رویکرد سیستمی و توجه به شبکه روابط علی این عوامل باشد. از این رو پیشنهاد می‌شود تحقیقاتی با رویکرد سیستمی به مسئله ترک تحصیل انجام شود که با نگاهی کل-گرا و توجه به مجموع اجزاء و روابط و برهمکنشی میان آنها و ذینفعان این حوزه، امکان مداخله و مدیریت موثر این مسئله را فراهم آورد.

^۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. noghani@um.ac.ir^۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.mahla.mohammadi@alumni.um.ac.ir



مقدمه و بیان مسئله

ریشه آموزش و تعلیم و تربیت امروزی، به سال ۸۰۰ پیش از میلاد بازمی‌گردد که با عبور از مسیر تکامل، امروزه در غالب آموزش مدرن در سراسر جهان گسترش یافته است (بون^۱، ۲۰۰۳). آموزش علاوه بر اینکه به عنوان یک کالای عمومی و حقوق اساسی بشر (اگزار^۲، ۲۰۱۴) محسوب می‌شود، بنیادی‌ترین و تأثیرگذارترین عامل در توسعه جوامع شناخته می‌شود و همین امر سبب توجه به آن شد؛ در واقع توجه به آموزش ناشی از آن بود که با شکل دادن به کنش‌های فردی، به تغییرات کلان ساختاری منتهی می‌شد؛ به بیان دیگر، جوامع دریافتند که توسعه و پیشرفت پایدار یک کشور، تابعی است از توانمندی کارکردی در خرده نظام‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و عناصر ذیل هر کدام از این خرده نظام‌ها، که این توانمندی کارکردی نیز خود تابعی است از سرمایه انسانی توانمند و قابلیت‌محور که این سرمایه نیز خود تابعی است از آموزش و تعلیم نیروی انسانی. بدین ترتیب چنین زنجیره‌ای که حلقه پایانی آن به توسعه پایدار منتهی می‌شد، باعث شد که آموزش به عنوان اولین زنجیره این فرایند و در قالب کاتالیزوری برای توسعه انسانی و رشد اقتصادی محسوب مهم تلقی گردد (اکیدی^۳ و همکاران، ۲۰۰۴).

در این میان سازمان ملل متحد نیز آموزش را یک عامل کلیدی برای توسعه جوامع تلقی کرد و آن را محرک قدرتمند توسعه، تغییرات و پیشرفت‌های مثبت و یکی از قوی‌ترین ابزارها برای شکستن چرخه فقر و نابرابری، بهبود سلامت، برابری جنسیتی، صلح و ثبات بیان کرد. همسو با این امر بسیاری از کشورها به منظور توسعه اقتصادی، تولید نیروی ماهر برای پیشرفت‌های فناوری و نوآوری‌های جدید، و نیاز به آموزش تخصصی و علمی، سرمایه‌گذاری بزرگی در بخش آموزش انجام دادند (اگزار^۴، ۲۰۱۴؛ جونزاسان^۵، ۲۰۲۲). اهمیت این موضوع باعث شد که یکی از اهداف توسعه هزاره، معطوف به توجه به آموزش و رایگان شدن آموزش ابتدایی برای کودکان باشد. بنابر گزارش بانک جهانی، آموزش و تحصیل می‌تواند رشد اقتصادی بلندمدت و نوآوری را تحریک کرده، و باعث تقویت نهادهای و انسجام اجتماعی شود (گزارش بانک جهانی، ۲۰۲۳). با این حال، بازماندن از تحصیل و عدم تحصیل، پدیده‌ای است که می‌تواند سپردفاعی قدرتمند در برابر چنین اهداف ارزشمندی قرار گیرد که از آن به عنوان ترک تحصیل یاد می‌شود.

ترک تحصیل که به اتمام و ترک روند طبیعی تحصیل در مدرسه، مطابق با میل فردی یا فشار اجتماعی، اشاره می‌شود (لیستر و نیکلا^۶، ۲۰۱۶)، از چهار بعد توسعه انسانی، عدالت آموزشی، اقتصاد و توسعه، به عنوان یک کلان مسئله محسوب می‌شود. در بعد توسعه انسانی با توجه به اینکه آموزش یکی از ارکان اصلی توسعه انسانی است، ترک آن می‌تواند به کاهش سطح مهارت‌ها و دانش افراد منجر شود که این موضوع به نوبه خود بر توانایی‌های آن‌ها برای مشارکت مؤثر در جامعه و بازار کار تأثیر می‌گذارد. این مسئله می‌تواند به کاهش بهره‌وری و نوآوری در جامعه منجر شود و توسعه انسانی را مختل کند (اگزار^۷، ۲۰۱۴)؛ در این خصوص می‌توان به نظریه "قابلیت‌های انسانی" سن (۱۳۸۱) اشاره داشت.

در بعد عدالت آموزشی، ترک تحصیل به طور مستقیم مظهر بی‌عدالتی آموزشی جوامع، و محرومیت و عدم دسترسی دانش‌آموزان به فرصت‌ها و امکانات تحصیل است که به چرخه فقر و نابرابری منجر می‌شود (ساکتی^۸ و همکاران، ۲۰۲۱)؛ در این خصوص می‌توان به نظریه "برابری فرصت‌های آموزشی"^۹ کلمن^{۱۰} (۱۹۶۸) اشاره داشت. در بعد اقتصادی موجب انقباض بودجه‌های دولت، فشار

^۱. Bowen^۲. Oguzor^۳. Okidi^۴. Jones-Esan^۵. Lyster & Niileksela^۶. Sakti^۷. Equality of Educational Opportunity^۸. Coleman

بر هزینه‌های آموزش عمومی (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۳) و هدر رفت سرمایه‌های مالی شده و یکی از عوامل اصلی کاهش سطح درآمد، افزایش نرخ بیکاری، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و کاهش کیفیت زندگی می‌باشد و به عنوان یک اختلال‌کننده قوی در توسعه مستمر اقتصادی و توسعه پایدار یک ملت و ارتقای زندگی استاندارد و رفاه عمومی پنداشته می‌شود (اوکومو و همکاران، ۲۰۰۸؛ جونزاسان، ۲۰۲۲)؛ در این خصوص می‌توان به نظریه‌های توسعه پایدار جوامع اشاره داشت (برونلند و منصور، ۲۰۱۰).

اهمیت این موضوع تا حدی بود که در سال ۲۰۱۹ توسط بانک جهانی و موسسه آمار یونسکو، شاخص فقر یادگیری ۲ ایجاد شد که معیار هشیار کننده جوامع نسبت به آموزش تلقی می‌شد (گزارش بانک جهانی، ۲۰۱۳). اما این پدیده به تدریج در جهان گسترش یافت، خصوصاً در جوامع در حال توسعه و افرادی که در شرایط غیر برخوردار از استانداردهای زندگی، زیست می‌کردند؛ در عین حال ارائه روندی از نرخ آن، دشوار است؛ زیرا که اساساً این امر وابسته به زمان، مکان و گروه‌های تحت مطالعه است. اما آماري که از سوی سازمان یونسکو در سال ۲۰۱۸ منتشر شد نشان داد که حدود ۲۶۳ میلیون کودک از تحصیل در مدرسه بازمانده- اند که ۶۴ میلیون آن در مقطع ابتدایی، ۶۱ میلیون دانش‌آموزان متوسطه اول و ۱۳۸ میلیون متوسطه دوم هستند. چپمن^۳ و همکاران (۲۰۱۱) نیز در مطالعه خود نشان دادند که انتظار می‌رود بین ۹/۳ تا ۴۳/۷ درصد از دانش‌آموزان در پایه‌های گوناگون تحصیلی، طی ۱ تا ۴ سال پس از ورود به تحصیل، اقدام به ترک تحصیل کنند.

ظهور این مسئله متأثر از عوامل گوناگون می‌باشد، به طوریکه آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده آمریکا، پیش‌بینی کننده‌های جهانی ترک تحصیل را حضور کم دانش‌آموزان در مدرسه، رفتار مشکل‌زا و عملکرد تحصیلی پایین ارائه کرده است (USAID، ۲۰۱۵)، اما در مطالعات مختلف پیش‌بینی کننده‌های بیشتری برای ترک تحصیل برشمرده‌اند که می‌توانند در ذیل عوامل فرهنگی مانند فقدان تحصیلات والدین و تابع آن کم‌توجهی به تحصیل فرزندان (علی و همکاران، ۲۰۲۱)، عوامل اقتصادی مانند مشکلات مالی خانواده (خویه^۴ و همکاران، ۲۰۱۵) و فقر خصوصاً در کشورهای در حال توسعه (علی و همکاران، ۲۰۲۱)، عوامل آموزشی همچون ضعیف سیستم آموزشی (علی و همکاران، ۲۰۲۱)، و عوامل فردی همچون غیبت از تحصیل و ورود دیر هنگام به مدرسه (برانسون^۵ و همکاران، ۲۰۱۴) دسته‌بندی کرد.

کشور ایران به عنوان یکی از اعضای نظام جهانی، با چالش ترک تحصیل دانش‌آموزان مواجه است؛ به گونه‌ای که براساس گزارش مرکز آمار ایران با اطلاعات دریافتی از وزارت آموزش و پرورش، نرخ ترک تحصیل در سال‌های ۱۴۰۱-۱۴۰۲ به ترتیب در دوره‌های ابتدایی، متوسطه اول، و متوسطه دوم به ترتیب به نسبت ۲۰،۱ درصد، ۴۷،۵ درصد و ۴،۴ درصد بوده است (فردای اقتصاد، ۱۴۰۲). این آمارها نشان می‌دهند که بخشی از هزینه‌های مرتبط با آموزش و پرورش به دلیل ترک تحصیل هدر رفته و در طولانی مدت می‌تواند پیامدهای قابل توجهی از جمله کاهش سرمایه‌ی انسانی توانمند و کاهش توسعه اقتصادی و اجتماعی را ایجاد کند. این وضعیت در حالی است که با توجه به مسئله کاهش جمعیتی که کشور با آن مواجه است، ضرورت بهره‌برداری بهینه از منابع انسانی افزایش می‌یابد و نمی‌توانیم به سادگی با از دست دادن سرمایه‌ی انسانی مواجه شویم. به دلیل اهمیت این مسئله در کشور، ضرورت انجام مطالعه‌ای به شیوه سیستماتیک احساس می‌شود که با بررسی جامع ادبیات مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان و ارائه تحلیلی جامع از وضعیت فعلی، اقدام به شناسایی تعیین کننده‌های این مسئله کرده و نقشه راهی برای اقدامات

1. Brundtland & Mansour

۲. نشان‌دهنده نسبت کودکان ۱۰ ساله که قادر به خواندن و درک کردن نیستند.

<https://www.worldbank.org/en/topic/education/brief/what-is-learning-poverty>

3. Chapman

4. Khupe

5. Branson

پیشگیرانه اولیه به منظور پیشگیری از گسترش این پدیده، محسوب گردد؛ از این رو تحقیق حاضر قصد دارد به این سوال پاسخ دهد که، تعیین‌کننده‌های ترک تحصیل دانش‌آموزان در کشور ایران، کدامند؟

موفقیت و شکست تحصیلی از زمان پیدایش آموزش وجود داشته است، اما توجه جدی به آن پس از اجباری شدن آموزش در اواخر قرن ۱۹ و با نیاز به نیروی کار ماهر در دوران صنعتی‌شدن آغاز شد. ترک تحصیل به قطع ثبت‌نام یا توقف تحصیل توسط دانش‌آموز یا دانشجو در یک مقطع تحصیلی یا دوره آموزشی خاص پیش از اتمام آن دوره اشاره دارد. این مفهوم شامل رفتارهایی از غیبت در کلاس‌ها تا ترک کامل برنامه درسی است و می‌تواند موقت یا دائمی باشد. ترک تحصیل ممکن است در هر سطح تحصیلی، از ابتدایی تا دانشگاه، رخ دهد (لیستر و نیکلا، ۲۰۱۶).

کرنی^۱ (۲۰۰۸) ترک تحصیل را به عنوان یک فرایند هفت مرحله‌ای توصیف می‌کند. این فرایند با حضور در مدرسه تحت فشار اجتماعی، به‌ویژه از سوی والدین، آغاز می‌شود. سپس فرد تلاش می‌کند با فشارها مقابله کند و انواع استراتژی‌هایی مانند تأخیر مکرر در رفتن به مدرسه و غیبت‌های دوره‌ای را اتخاذ می‌کند. غیبت‌ها دوره‌ای به تدریج افزایش یافته و با غیبت‌های مکرر جایگزین می‌شود و دانش‌آموز تنها در کلاس‌هایی که میل و انگیزه دارد حضور پیدا می‌کند. در مراحل نهایی، غیبت‌ها دائمی می‌شوند و فرد به طور کامل از تحصیل انصراف می‌دهد (کرنی، ۲۰۰۸).

ترک تحصیل که اغلب به عنوان یک شکست در خودتنظیمی تلقی می‌شود، در واقع یک مسئله پیچیده و فرایندی است که فراتر از یک شکست ساده قرار دارد. این پیچیدگی ناشی از تعامل عوامل متعدد فردی، خانوادگی، آموزشی و محیطی است (زاکس و هن^۲، ۲۰۱۸). عوامل فردی مانند انگیزه پایین، مشکلات روانی، و ناتوانی در مدیریت زمان؛ عوامل خانوادگی مانند سطح تحصیلات والدین و وضعیت اقتصادی؛ و عوامل آموزشی مانند کیفیت پایین آموزش و محیط نامناسب یادگیری، همگی در ترک تحصیل نقش دارند. همچنین، شرایط محیطی مانند محله نامناسب و دسترسی محدود به امکانات آموزشی نیز مؤثر هستند (وب و کوتن^۳، ۲۰۱۸).

در میان عوامل مختلف تأثیرگذار بر ترک تحصیل، اهمیت گونه‌شناسی دانش‌آموزان در معرض خطر قابل توجه است. کرن^۴ و همکاران (۲۰۱۵) دانش‌آموزان در معرض خطر ترک تحصیل را دارای مشکلات سه‌گانه اجتماعی، عاطفی و رفتاری دانسته‌اند. فورتن^۵ و همکاران (۲۰۰۶) این دانش‌آموزان را در چهار دسته گروه‌بندی کرده‌اند: رفتار پنهان ضداجتماعی، بی‌علاقگی به مدرسه، سازگاری اجتماعی در مدرسه و افسردگی. همچنین، ترک تحصیل تحت تأثیر الگوهای جنسیتی و سنی دانش‌آموزان، منزلت اقتصادی-اجتماعی والدین و ابعاد چهارگانه سلامت دانش‌آموز و خانواده (سلامت روانی، جسمانی، اجتماعی و معنوی) قرار دارد (لسارد^۶ و همکاران، ۲۰۰۵؛ فرانکلین و تروارد^۷، ۲۰۱۶).

ترک تحصیل، که تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد، پیامدهای گسترده‌ای به همراه دارد که بر جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی افراد تأثیر می‌گذارد. این پیامدها می‌توانند در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار گیرند. در سطح فردی، ترک تحصیل می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش خطر بیکاری، درآمد کمتر، مشکلات روانی مانند اعتماد به نفس پایین، و تجربه انزوای اجتماعی و کاهش مشارکت مدنی شود (کریستل^۸ و همکاران، ۲۰۰۷؛ ونگر^۹ و همکاران، ۲۰۲۴؛ لیستر و نیکلا، ۲۰۱۶).

1. Kearney

2. Zacks & Hen

3. Webb & Cotton

4. Kern

5. Fortin

6. Lessard

7. Franklin & Trouard

8. Christle

9. Wagner

همچنین، این پدیده ممکن است به بازتولید چرخه ترک تحصیل و فقدان سرمایه فرهنگی در نسل‌های آینده منجر شود و با کاهش سرمایه انسانی و رشد فرهنگی جامعه، افزایش جرایم فردی را به همراه داشته باشد (سوتن^۱ و همکاران، ۲۰۰۹). در سطح کلان، ترک تحصیل می‌تواند با هدررفت سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، کاهش درآمدهای مالیاتی دولتی، افزایش نرخ فقر و نابرابری‌های اجتماعی همراه باشد (منن^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

بنابراین، ترک تحصیل یک مسئله چندگانه و پیچیده است که تأثیرات قابل توجهی بر فرد و جامعه دارد. این پدیده تحت تأثیر عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی و آموزشی قرار می‌گیرد و می‌تواند به کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش خطر بیکاری، کاهش درآمد و مشکلات روانی منجر شود. علاوه بر این، ترک تحصیل می‌تواند به هدررفت سرمایه‌گذاری‌های آموزشی، کاهش بهره‌وری نیروی کار، و افزایش فقر و نابرابری‌های اجتماعی بینجامد. برای مقابله با این مسئله، نیاز به رویکردی جامع و چندبعدی است که تمامی عوامل مؤثر را در نظر بگیرد. این رویکرد باید شامل شناسایی عوامل مؤثر و ارائه نقشه راه برای ذینفعان به منظور پیشگیری و مدیریت ترک تحصیل باشد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر به منظور بررسی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان، به مرور سیستماتیک ادبیات داخلی این حوزه با رویکرد تلفیقی^۳، که این قابلیت را دارد همزمان هر دو دسته تحقیقات کمی و کیفی را در بر گیرد تا درک کامل‌تری از پدیده ارائه کند (ویتور و نافل^۴، ۲۰۰۵)، پرداخته شد. پروتکل مرور سیستماتیک از مراحل چندگانه تشکیل شده است. پیکرینگ و بایرام^۵ (۲۰۱۴) سه مرحله‌ی شناسایی کلمات کلیدی و استفاده از آن جهت جستجو در پایگاه داده، تدوین ساختار پایگاه داده و ورود داده‌ها به تحقیق می‌دانند. چانگ^۶ (۲۰۱۷) نیز مرور سیستماتیک را شامل مراحل چون تدوین سوال، طراحی پروتکل مرور، جستجو در ادبیات، انتخاب مطالعات، استخراج داده‌ها و ارزیابی سوگیری می‌داند. حسینی و مجدی (۱۴۰۳) نیز مرور سیستماتیک را طی سه مرحله پیشنهاد، فرایند و برآیند تحقیق عملیاتی کرده‌اند که در تحقیق فعلی از این شیوه استفاده می‌شود.

گام‌های مرور سیستماتیک

۱. مرحله اول: پیشابند تحقیق. در این مرحله لازم است تا به صورت بندی دقیق سوال تحقیق پرداخت. در این تحقیق از برخی عناصر الگوی PICOS (هاتون^۷ و همکاران، ۲۰۱۵) برای صورت بندی سوال تحقیق استفاده شد.^۸

¹. Sweeten

². Mennen

³. Integrative

⁴. Whittemore & Knafl

⁵. Pickering & Byrne

⁶. Chang

⁷. Hutton

^۸. علت استفاده از الگوی PICOS برای تدوین سؤال تحقیق این می‌باشد که این الگو به صورت همزمان برای تحقیقات کمی و کیفی کاربرد دارد.

جدول ۱: عناصر اصلی پرسش بر اساس الگوی PICOS

PICOS	عناصر الگوی
P: Population	مصادیق در مطالعه حاضر
I: Intervention	ادبیات انجام شده در ایران
C: Comparison	ترک تحصیل
O: Outcome	-
S: Study type	تعیین کننده های ترک تحصیل
	کمی و کیفی

۲. مرحله دوم: فرایند تحقیق. این گام خود از چند مرحله تشکیل شده است. نخست دو معیار برای جستجو تدوین شد که شامل تمرکز بر مطالعات انجام شده در داخل ایران به زبان فارسی یا انگلیسی، و دوم تمرکز بر مقالات علمی و چاپ شده در مجلات معتبر باشند، بنابراین از مقالات همایشی در این تحقیق استفاده نشد. سپس با مرور ادبیات، به شناسایی کلمات کلیدی پرداخته شد. بدین منظور کلمات کلیدی فارسی چون ترک تحصیل، عدم تداوم تحصیل، عدم تکمیل تحصیل و کلمات کلیدی انگلیسی چون، Non completion education in iran, Drop out education and stop out education in iran جهت جستجو شناسایی شدند. سپس به شناسایی پایگاه های معتبر داده پرداخته شد که به منظور جستجوی کامل مقاله های زبان فارسی از پایگاه های مگیران، نورمگز، پرتال جامعه علوم انسانی، مرکز مطالعات علمی جهاد دانشگاهی و جهت جستجو مقالات لاتین از پایگاه اسکوپوس استفاده شد. (جستجو در اسفند ۱۴۰۲ انجام شد و جستجویی مجدد در بهمن ۱۴۰۳ انجام شد).

پس از جستجوهای انجام شده، به طور کلی ۶۲ مقاله از چهار پایگاه داده شناسایی شد که ۱۸ مورد از مگیران، ۲۴ مورد نورمگز، ۱۳ مورد پورتال جامع علوم انسانی و ۷ مورد مرکز مطالعات علمی جهاد دانشگاهی بودند. از پایگاه اسکوپوس نیز هیچ مقاله شناسایی نشد. لازم به ذکر است در این مرحله هیچ محدودیتی در بازه زمانی انتشار مقالات برای ورود به مطالعه وجود نداشت و تمامی مقالات این حوزه فارغ از بازه زمانی انتشار، وارد لیست شدند. گام بعدی انتخاب مقالات بود که بر این اساس ابتدا به حذف دستی مقاله های مشابه که از پایگاه های نمایه مختلف بدست آمده بود، پرداخته شد. بنابراین در این مرحله ۲۷ مقاله حذف شد. در مرتبه بعد با مطالعه چکیده، سوال و یافته ها به بررسی عمیق پژوهش ها پرداخته شد و تعداد ۸ مقاله که خارج از حوزه موضوعی مورد نظر محقق بودند و در بردارنده پاسخ به سوال تحقیق نبوده حذف شدند و در پایان این مرحله ۲۷ مقاله جهت مرور سیستماتیک در مطالعه باقی ماندند. مجموع مراحل در جدول ۱ و ۲ ارائه شده است. سپس اطلاعات مرتبط با سال انتشار، گروه مورد مطالعه، روش تحقیق، محل مطالعه و تعیین کننده های ترک تحصیل وارد نرم افزار اکسل شد.

جدول ۲: مقاله های شناسایی شده از پایگاه های نمایه فارسی و انگلیسی

پایگاه	مگیران	مرکز مطالعات علمی جهاد دانشگاهی	نورمگز	پرتال جامعه علوم انسانی	گوگل اسکالر
تعداد مقاله	۱۸	۷	۲۴	۱۳	۰
مجموع مقاله های شناسایی شده	۶۲				

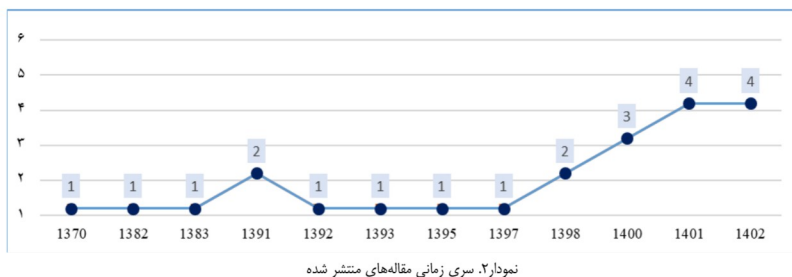
جدول ۳. جدول جریان (برگرفته از الگوی پرینما)

جستجوی اولیه: ۶۲ مقاله
عبور از فیلتر تکرار
خروجی: ۲۵ مقاله واجد شرایط
عبور از فیلتر ارتباط با مطالعه کنونی و پاسخ به سوال تحقیق
خروجی: ۲۷ مقاله واجد شرایط
تعداد مقالات حاضر در تحقیق: ۲۷ مقاله

۳. مرحله سوم: برآیند تحقیق. در این مرحله به کدگذاری و دسته بندی یافته ها پرداخته شد.

۴. یافته های تحقیق

سال انتشار. مطالعه عوامل موثر بر ترک تحصیل دانش آموزان از سال ۱۳۷۰ آغاز شده و تا سال ۱۴۰۲ ادامه داشته است. روند مقاله های چاپ شده نشان می دهد که مطالعه پیرامون این پدیده به تدریج افزایش یافته است که می تواند نشان دهنده افزایش توجه و حساسیت بیشتر نسبت به مسئله ترک تحصیل باشد.



سیمای مطالعات. جدول ذیل سیمای کلی مطالعات را نمایش می دهد. براساس تحلیل مقالات موجود به نظر می رسد که تمایل به مطالعه عوامل موثر بر ترک تحصیل در میان دانش آموزان دختر بیشتر بوده است؛ این امر می تواند ناشی از این باشد که این گروه معمولاً در معرض خطرات و فشارهای بیشتری برای ترک تحصیل قرار دارند. به عنوان مثال، عواملی مانند ازدواج زودهنگام، فشارهای فرهنگی و مسائل اجتماعی می توانند بیشتر بر دختران تأثیرگذار باشند. از این رو، بررسی عوامل موثر بر ترک تحصیل در دختران ممکن است از نظر اجتماعی و سیاسی مهمتر باشد. اما در عین حال کمبودی نیز در بررسی عوامل موثر بر ترک تحصیل با تأکید بر دانش آموزان پسر در مقاله ها دیده می شود، هرچند که در آمار ارائه شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، نرخ ترک تحصیل پسران در دوره متوسطه اول و دوم، از دختران بیشتر می باشد^۱.

^۱. در دوره متوسطه اول نرخ ترک تحصیل دختران ۴٫۳۳ و پسران ۶٫۵۴ درصد، و در دوره متوسط دوم نیز ترک تحصیل در میان دختران با نرخ ۳٫۵۶ و پسران ۴٫۵۰ درصد می باشد (به نقل از فردای اقتصاد، ۱۴۰۲).

در ارتباط با روش تحقیق، توزیع متناسبی از حیث روش کمی و کیفی در مقاله‌ها یافت شد. اختلاف تعداد مقالات بررسی شده در مناطق روستایی و شهری ممکن است نشان دهنده وجود تفاوت‌های قابل توجه در شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی باشد که می‌تواند به ترک تحصیل دانش‌آموزان منجر شود. ممکن است در شهرها و مناطق برخوردار، درهم تنیدگی امکانات آموزشی و فرهنگ تحصیلی به گونه‌ای باشد که ترک تحصیل به میزان کم بوده و به عنوان مسئله تلقی نشود، اما در روستاها و مناطق محروم به علت فقدان و کمبود امکانات و منابع لازم جهت تداوم تحصیل، شرایط به گونه‌ای است که ترک تحصیل به میزان بیشتری رخ می‌دهد.

جدول ۳: سیمای مطالعات

درصد	فراوانی	متغیر	
۴۴/۴	۱۲	دانش آموزان دختر و پسر	جنسیت
۴۰/۷	۱۱	دانش آموزان دختر	
۳/۷	۱	کارشناسان، مدیران و معلمان	
۱۱/۱	۳	شامل نمی‌شود ^۱	
۴۴/۴	۱۲	کیفی	روش تحقیق
۴۸/۱	۱۳	کمی	
۷/۴	۲	آمیخته	
۲۲/۲	۶	مرکز استان	محل مطالعه
۱۸/۵	۵	شهرستان‌های استان	
۳۳/۳	۹	روستاها و مناطق محروم	
۳/۷	۱	عشایر	
۷/۴	۲	شامل نمی‌شود ^۲	
۱۴/۸	۴	در سطح استان	

تعیین‌کننده‌های ترک تحصیل. در ۲۷ مطالعه انجام شده، به ۴۵ عامل موثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان اشاره شده‌است که یافته‌ها در قالب در ۲ دسته اصلی درون مدرسه و برون مدرسه و نه بعد ارائه شد. در دسته درون مدرسه، چالش‌های آموزشی با مجموع ۱۸ فراوانی و در دسته برون مدرسه سرمایه فرهنگی کم مقدار با مجموع ۳۶ فراوانی و سرمایه اقتصادی کم مقدار خانواده با مجموع ۲۱ فراوانی، بیشترین عوامل ذکر شده در تحقیقات می‌باشند. از این رو می‌توان گفت عوامل فرهنگی، اقتصادی و آموزشی پرتکرارترین تعیین‌کننده‌های ترک تحصیل دانش‌آموزان می‌باشند.

جدول ۴: تعیین‌کننده‌های ترک تحصیل

دسته	بعد	تعیین‌کننده‌ها	فراوانی	فراوانی کل
درون مدرسه	چالش‌های فضای آموزشی	کیفیت ضعیف معلمان	۵	۱۸
		محیط نامناسب آموزشی	۵	
		فقدان ساختار حمایتی تشویقی	۲	

^۱. اشاره به مطالعات کتابخانه‌ای دارد.

^۲. اشاره به مطالعات کتابخانه‌ای دارد.

	۲	فقدان امکانات آموزشی		
	۱	آسیب‌های تحصیلی		
	۱	نبود برنامه جذاب در مدرسه		
	۱	کمبود دبیران متخصص		
	۱	محتوای آموزشی نامرتبط		
۶	۵	فضای تعاملاتی ناسازگار معلم	چالش‌های فرهنگی-اجتماعی	
	۱	فقدان پیوند اجتماعی با همکالسی‌ها		
۶	۲	عدم احساس تعلق به مدرسه	چالش‌های فردی	
	۲	عدم تناسب نیازها و علایق با محتوای کتب درسی		
	۲	عدم علاقه به ادامه تحصیل		
۳۶	۷	سرمایه فرهنگی فرومایه والدین	سرمایه فرهنگی کم مقدار	
	۷	باورهای فرهنگی		
	۵	ازدواج زود هنگام		
	۵	نگرش منفی به کارکرد سواد		
	۳	تبعیض جنسی		
	۲	عدم باور به ارتباط بین تلاش و پیشرفت		
	۱	بی‌توجهی به نیازهای دختران		
	۱	اجبار به تحصیل		
	۱	فقدان پویایی خانواده (حمایت‌های خانوادگی)		
	۱	کمبود الگوی موفق و بیکاری فارغ التحصیلان		
	۱	نالگاهی خانواده		
	۱	روابط معیوب بین خانواده-مدرسه		
	۱	شکل‌گیری تفریحات جدید		
۲۱	۱۷	سرمایه اقتصادی فرومایه خانواده	سرمایه اقتصادی کم مقدار	
	۱	هزینه‌های تحصیل		
	۱	زن بودن سرپرست خانوار		
	۱	بعد خانوار		
۱۴	۱	افزایش سن سرپرست خانوار	چالش‌های فردی	
	۴	تجربه شکست تحصیلی		
	۳	بیماری‌های جسمانی		
	۳	فقدان انگیزه		
	۱	اختلال در یادگیری		
	۱	کاهش فعالیت‌های آموزشی-تحصیلی دانش‌آموزان		
	۱	یادگیری خود راهبرد		
۱۴	۱	هوش تحصیلی پایین	چالش‌های اجتماعی	
	۷	خانواده نابسامان		
	۴	اشتغال به کار کودک		
	۲	یادگیری اجتماعی		

۵	۱	درگیری‌های قومی-قبیله‌ای	چالش‌های امنیتی
	۴	مسافت مدرسه تا خانه	
	۱	جابجایی مکانی	چالش‌های محیطی
۲	۲	محدودیت‌های محیطی و فقدان امکانات	

عوامل درون مدرسه

در ذیل عوامل درون مدرسه می‌توان به چالش‌های فضای آموزشی، فردی و اجتماعی اشاره داشت که به تنهایی یا در فرایند برهمکنشی به تولید و بازتولید پدیده ترک تحصیل می‌انجامند.

۱. **چالش‌های فضای آموزشی.** آموزش و پرورش، به مثابه میدان کسب سرمایه فرهنگی، نقش بسزایی در تسهیل یا اختلال تحصیل دانش‌آموزان دارد. محیط نامناسب آموزشی مانند فضای کم و کلاس‌های مملو از جمعیت، فضای فیزیکی نامطلوب، فقدان امکانات رفاهی، و تجهیزات آموزشی مانند کتابخانه، آزمایشگاه و رایانه، با توجه به اینکه محدودیت‌هایی در فرایند یادگیری ایجاد می‌کند، می‌توانند باعث کاهش توجه، انگیزش و ترک تحصیل دانش‌آموزان شوند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر محتوای ناکارآمد کتب درسی که جذاب و متناسب با نیازهای دانش‌آموزان نبوده (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶)، نقش معلم را در ایجاد علاقه به محتوای کتاب و یادگیری برجسته می‌سازد، در حالیکه کیفیت پایین آموزش و عدم تسلط معلمان بر روش‌های نوین تدریس، ضعف در انتقال مفاهیم، به کارگیری سرباز معلم و بی‌توجهی به توانایی‌های دانش‌آموزان، وجه مسئله‌مند بودن را تشدید می‌کند (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱؛ غلام‌پور و آینی، ۱۳۹۸؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱).

شیوه نامناسب برگزاری امتحانات مانند تاکید بیش از حد بر بخاطر سپاری مطالب، یا استرس زیاد ناشی از فشار امتحانات می‌تواند عملکرد دانش‌آموزان را تحت تاثیر قرار دهد؛ به طوریکه غالباً حاصل آن با آسیب‌های تحصیلی مانند تکرار پایه یا شکست در امتحانات می‌باشد (عزیززاده، ۱۳۷۰)، که اگر به صورت مداوم رخ دهد، می‌تواند با ایجاد برچسب و داغ‌نگ، احساس شرم، انزوا و ناامیدی را در دانش‌آموزان تقویت کند. در این میان وجود حمایت‌های دوره‌ای تا بازپایی دانش‌آموزان، می‌تواند عامل محافظتی باشد در حالیکه فقدان ساختارهای حمایتی و تشویقی از سوی آموزش و پرورش و مدرسه برای دانش‌آموزان با آسیب‌های تحصیلی و نبود تشویق‌های مناسب برای دانش‌آموزان موفق، می‌تواند به تشدید نابرابری‌ها، ناکارآمدی‌ها و بی‌انگیزگی منجر شود که بازتولید این وضعیت به مرور زمان، با افزایش نرخ ترک تحصیل نمایان می‌شود (امینی و همکاران، ۱۴۰۱).

۲. **چالش‌های فرهنگی-اجتماعی.** از میان مهمترین عوامل اجتماعی-فرهنگی می‌توان به کیفیت تعامل معلم و دانش‌آموزان اشاره داشت (متقی و همکاران، ۱۳۹۳). فضای تعاملاتی ناسازگار معلم با دانش‌آموزان مانند سبک مستبدانه که با ماهیت کنترل-گری، اعمال محدودیت بر دانش‌آموزان (بهارلو و بهروز، ۱۳۹۸)، عدم حمایت عاطفی و برقراری روابط صمیمانه و توأم با دوستی و عدم درگیری و دلبستگی به مدرسه، زمینه گریز از مدرسه را فراهم می‌کند (ظهوروند و همکاران، ۱۳۹۸؛ سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع معلمان نقش اساسی در سیستم آموزشی دارند و کیفیت ارتباط با آنها می‌تواند یک عامل خطر یا یک عامل محافظتی تلقی شود. فضای تعاملاتی ناسازگار معلم با دانش‌آموزان، عدم احترام به دانش‌آموزان، برخورد‌های تبعیض‌آمیز (رضائی، ۱۴۰۲) و استفاده از روش‌های تنبیهی سخت‌گیرانه می‌تواند منجر به ایجاد احساس تنفر و بی‌انگیزگی در دانش‌آموزان شود (شاه-محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱). اهمیت شیوه تعامل معلم و مربی با دانش‌آموز خصوصاً در مدارس شبانه‌روزی بیشتر مورد توجه است، به طوریکه رفتار نامناسب مربی و معلم در چنین مراکزی، یکی از دلایل عمده ترک تحصیل می‌باشد (چوپانیان، ۱۳۸۲).

از سوی دیگر وجود کلاس‌های مختلط و معلمان مرد و مجرد در روستا (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸؛ شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹) موجب معانعت از ادامه تحصیل دختران از سوی خانواده‌ها می‌شود. فقدان پیوند اجتماعی با همکلاسی‌ها و ناتوانی در برقراری ارتباط نیز می‌تواند تأثیر منفی بر تجربه تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. دانش‌آموزانی که احساس انزوا و عدم تعلق به گروه همسالان خود را دارند، ممکن است از نظر روانی و عاطفی آسیب‌پذیرتر باشند و در نتیجه انگیزه کمتری برای حضور در مدرسه و ادامه تحصیل داشته باشند (امینی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین باید توجه داشت سرمایه اجتماعی به منزله عامل ایجاد همبستگی و عاطفه مثبت، پتانسیل محافظتی بالایی در برابر ترک تحصیل دارد.

۳. چالش‌های فردی. عوامل فردی مانند عدم احساس تعلق به مدرسه، عدم علاقه به محتوای کتب درسی و عدم انگیزه برای ادامه تحصیل، نقش مهمی در افزایش احتمال ترک تحصیل دانش‌آموزان دارند (عارفی، ۱۳۸۳؛ رضائی، ۱۴۰۲)؛ که البته هرکدام ریشه در عوامل گوناگونی دارند. به طوریکه عدم احساس تعلق به مدرسه می‌تواند ریشه در محیط نامناسب یادگیری، کیفیت پایین آموزش و فضای تعاملاتی ناسازگار با معلم داشته باشد. اساسا مادامی که دانش‌آموزان احساس نکنند مدرسه محیطی پذیرا برای آنهاست، تمایل کمتری برای حضور خواهند داشت. این امر می‌تواند منجر به انزوا، بی‌انگیزگی و در نهایت ترک تحصیل منجر شود. در این میان عدم تناسب محتوای کتاب‌های درسی با نیازهای زندگی روستایی و فقدان کاربرد عملی آنها می‌تواند به صورت عدم علاقه به محتوای کتاب‌ها و بی‌انگیزگی در تداوم تحصیل شود (غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸؛ اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱).

عوامل برون مدرسه

در ذیل عوامل برون مدرسه می‌توان به سرمایه فرهنگی و اقتصادی کم مقدار، چالش‌های فردی، چالش‌های اجتماعی و امنیتی-محیطی اشاره داشت که به تنهایی یا در فرایند برهمکنشی منجر به تولید و بازتولید پدیده ترک تحصیل می‌شوند.

۱. سرمایه فرهنگی کم مقدار. در ذیل عوامل فرهنگی، باورها و ارزش‌های فرهنگی خانواده و جامعه نقش کلیدی دارند. خانواده‌هایی که به میزان کمتری از سرمایه فرهنگی برخوردار هستند یا با مشکلاتی مانند کم‌سودای مواجه هستند، ممکن است تحصیل را ضروری ندانسته و در نتیجه انگیزه کافی برای حمایت از تحصیل فرزندان خود نداشته باشند (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸؛ شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹؛ سیاح و چراغی، ۱۴۰۰؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱). همچنین وجود ارزش‌هایی در جوامع روستایی مانند ازدواج زودهنگام، تبعیض جنسیتی یا نگرش منفی به کارکردی بودن سواد، مرسوم نبودن تحصیل دختران و اولویت بر تحصیل پسران (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸؛ سیاح و چراغی، ۱۴۰۰؛ صیادیان و عبری، ۱۴۰۱). و تفکر سنتی خصوصا در میان والدین کم‌سود، می‌تواند باعث شود که خانواده‌ها تحصیل را برای فرزندان خود به ویژه دختران، در اولویت قرار ندهند و ازدواج را مهم تلقی کنند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸؛ شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹؛ بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، اجبار به تحصیل، بی‌توجهی به نیازهای ویژه دانش‌آموزان، عدم باور به ارتباط بین تلاش و موفقیت با مشاهده تحصیل‌کردگان فاقد شغل و کم‌بها بودن تحصیل در جامعه (عارفی، ۱۳۸۳؛ شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱؛ رضائی، ۱۴۰۲). سبب تولید و بازتولید احساس بی‌انگیزگی و ناامیدی شده و افکار ترک تحصیل را تقویت می‌کند.

۲. سرمایه اقتصادی کم مقدار. میزان سرمایه اقتصادی خانواده‌ها، یکی از تعیین‌کننده‌های ادامه یا ترک تحصیل می‌باشد. فقر و فقدان درآمد ثابت، زن بودن سرپرست خانوار، بعد زیاد خانوار و افزایش سن سرپرست خانوار که با کاهش توانایی اشتغال همراه است، خانواده را با چالش‌های اقتصادی در تامین هزینه‌های تحصیلی و نیازهای معیشتی مواجه ساخته که کاتالیزوری برای ترک تحصیل است (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹؛ سنجرئی‌فرد، ۱۴۰۰؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱).

صیادیان و عنبریی، ۱۴۰۱؛ رضانی، ۱۴۰۲). در واقع فقر مالی خانواده که خود برآمده از عوامل گوناگون است، موجب می‌شود هزینه‌های تحصیل، به منزله انباشتی تراکمی بر سایر هزینه‌های خانواده وارد کند و مکانیزم مواجهه برای کاهش هزینه، ترک تحصیل می‌باشد (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ سیاح و چراغی، ۱۴۰۰؛ بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۱؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، فقر مالی موجب انگیزه کسب درآمد و اجبار کودک به اشتغال زودهنگام برای کمک به تامین معاش خانواده شده که زمینه اجباری ترک تحصیل را فراهم می‌کند (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱).

۳. چالش‌های فردی. عوامل فردی نیز می‌توانند نقش کلیدی در افزایش خطر ترک تحصیل دانش‌آموزان داشته باشند. بیماری‌های جسمانی، عملکرد تحصیلی، تجربه شکست تحصیلی، فقدان انگیزه، اختلالات یادگیری، و کاهش فعالیت‌های آموزشی و تحصیلی از جمله این عوامل هستند (چوپانیان، ۱۳۸۲؛ متقی و همکاران، ۱۳۹۳؛ سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱). بیماری‌های جسمانی می‌توانند باعث غیبت‌های طولانی مدت از مدرسه و عقب ماندن از برنامه درسی شوند. این امر می‌تواند منجر به احساس ناامیدی و انزوی دانش‌آموزان از محیط یادگیری شود. همچنین، تجربه شکست‌های تحصیلی مکرر می‌تواند موجب افول اعتماد به نفس و بروز افسردگی در دانش‌آموزان شده و انگیزه آنها را برای ادامه تحصیل کاهش دهد (چوپانیان، ۱۳۸۲؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان باید توجه داشت وجود زمینه‌های مناسب که موجب شناسایی نیازهای آموزشی و اهداف خود یا همان یادگیری خودراهبرد و ذهن آگاهی می‌شود، مانعی بر ترک تحصیل می‌باشد (موسیوند و همکاران، ۱۴۰۲).

۴. چالش‌های اجتماعی. در خصوص عوامل اجتماعی می‌توان نقش خانواده و محیط اجتماعی را برجسته دانست. خانواده‌های نابسامان با چالش‌های متعدد مانند طلاق، خشونت خانگی یا سوء مصرف مواد (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱؛ امینی و همکاران، ۱۴۰۱؛ زمانی‌پور، ۱۴۰۱). خانواده‌هایی با عضو بیمار، فوت یا فقدان والدین، سالمندی والدین و خانواده پرجمعیت یا خانواده با سرپرست بی‌کار (که تمامی این عوامل هم به صورت منفرد و مستقیم و هم در ترکیب با فقر و به صورت غیرمستقیم)، (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹؛ سیاح و چراغی، ۱۴۰۰؛ کیخا، ۱۴۰۰؛ صیادیان و عنبریی، ۱۴۰۱). می‌توانند در قالب نقص ساختار خانواده و بی‌توجهی به تحصیل فرزند، زمینه ترک تحصیل را ایجاد کنند (بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۱). از سوی دیگر فراهم بودن بستر اشتغال برای کودکان در روستاها و نقش محوری کودکان در مشارکت امور منزل و کشاورزی، می‌تواند انگیزه ترک تحصیل را ایجاد کند (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵؛ غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸). همنشینی با دوستان در معرض آسیب‌های اجتماعی و یادگیری از آنان (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱)، تعامل با گروه همسالان به عنوان دیگری مهم و تاثیرپذیری از عقاید آنان پیرامون فقدان کارکرد آموزش و پرورش در زندگی اجتماعی (غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸) زمینه‌ساز بروز ترک تحصیل می‌شوند. خانواده همچنین با تفکرات ایده‌آل‌گرایانه و الزام فرزند خود به ممتاز بودن، با ایجاد فشار روانی، دانش‌آموز را با مقاومت در ادامه تحصیل روبرو می‌سازند (امینی و همکاران، ۱۴۰۱).

۵. چالش‌های امنیتی- محیطی. در ذیل عوامل امنیتی و محیطی می‌توان به فاصله زیاد بین منزل و مدرسه (غلام‌پور و آیتی، ۱۳۹۸؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱؛ رضانی، ۱۴۰۲)، جابجایی‌های مکرر محل سکونت، و محدودیت‌های محیطی مانند کمبود امکانات و زیرساخت‌ها، اشاره داشت (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱). مادامی که دانش‌آموزان ملزم به پیمودن مسافت طولانی برای رسیدن به مدرسه باشند و سروس‌رخت و برگشت در دسترس نباشد (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵)، با خطرات امنیتی حمل و نقل ناامن، خشونت یا آزار روبرو می‌شوند که این امر موجب نگرانی خصوصا برای دانش‌آموزان دختر ایجاد می‌کند (شاه‌محمدی و بهمنی، ۱۳۹۹). همچنین لزوم تحصیل در مدارس شبانه‌روزی به دلیل نبود مدرسه نزدیک محل سکونت و عدم رضایت خانواده به جابجایی، تحصیل دانش‌آموزان دختران را از سوی خانواده به ممانعت روبرو می‌سازد (سیاح و چراغی، ۱۴۰۰؛ بیرانوند و همکاران، ۱۴۰۲).

۱۴۰۱؛ مظفری و چراغی، ۱۴۰۱). در این میان درگیری‌های قومی-قبیله‌ای میان روستاها نیز به دلیل مخاطراتی که همراه دارد، مانعی بر تحصیل در شرایط فاصله زیاد مدرسه تا منزل است (سپیدنامه و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر، محدودیت‌های محیطی مانند کمبود امکانات آموزشی، نبود معلمان کافی و کیفیت پایین آموزش، می‌توانند محیط یادگیری را نامناسب و غیرجذاب کنند. این امر انگیزه دانش‌آموزان را برای ادامه تحصیل کاهش داده و آنها را به سمت ترک تحصیل سوق دهد (فرضی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱).

بحث و نتیجه‌گیری

قرار گرفتن در مسیر توسعه و رسیدن به اهداف آن، نیازمند تقویت و همکاری زیرسیستم‌های مختلف جامعه است. یکی از این زیرسیستم‌ها نهاد آموزش و پرورش که با پرورش منابع انسانی توانمند، نقش برجسته‌ای در توسعه اجتماعی دارد (زاهدی، ۱۳۸۶؛ ۲۵۷). اما یکی از برون‌دادهای منفی این نهاد که ناشی از عدم تعادل در برهمکنشی دیگر زیرسیستم‌های نظام اجتماعی است، مسئله ترک تحصیل می‌باشد که پیامدهای متعددی در سطوح سه‌گانه خرد، میانه و کلان جامعه دارد و با کاهش توانایی‌های فردی و اجتماعی می‌تواند نظام اجتماعی را در دستیابی به اهداف توسعه با انسداد روبرو سازد و تاثیر منفی بر توسعه ملی گذارد. باتوجه به اینکه تعدیل این مسئله می‌تواند برای فرد و جامعه منفعت همراه داشته باشد، شناسایی دلایل و علت‌های بروز آن اولویت دارد. بنابراین در این تحقیق به مطالعه سیستماتیک عوامل موثر بر ترک تحصیل با بررسی ۲۷ مقاله پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد تعیین کننده های ترک تحصیل در دو دسته عوامل درون مدرسه و برون مدرسه قرار می‌گیرد؛ چالش های فضای آموزشی، فردی، فرهنگی-اجتماعی در ذیل دسته درون مدرسه و سرمایه فرهنگی و اقتصادی کم مقدار، چالش های فردی، اجتماعی، امنیتی و محیطی در ذیل عوامل برون مدرسه قرار دارند.

نقش تعیین‌کننده عوامل متعدد در ترک تحصیل حکایت از این دارد که تحصیل و تداوم آن در برابر شرایط گوناگون آسیب‌پذیر است و قدرت مواجهه با نابسامانی‌ها را ندارد، بنابراین مادامی که انواع مکانیزم‌های پیشگیری، راه‌حل و مدیریت این مسئله از سوی نهادهای و ساختارهای کلان جامعه ارائه نشود، افراد خود وارد عمل شده و به ناچار مکانیزم حذفی را بکار می‌رود. به طوریکه مطابق با نظریه گزینش عقلانی کلمن، هدفمند و منفعت‌محور بودن کنشگران موجب می‌شود به محاسبه هزینه-فایده پرداخته و از میان شقوق مختلف کنش، آنچه را که منفعت بیشتری تأمین می‌کند، برگزینند (ترنر، ۱۳۹۴؛ ۶۱۹-۶۲۲)؛ بنابراین کژکارکردهای متعدد درون و برون از مدرسه موجب می‌شود تصمیم به ترک تحصیل به منزله انتخابی تلقی گردد که چگالی منفعتی آن از هزینه آن، بیشتر باشد.

دراین میان یکی از کژکارکردها، متوجه آموزش و پرورش است. مطابق با نظریه عدالت آموزشی کلمن (۱۹۶۸)، عدالت آموزشی تنها با تأمین فرصت‌های آموزشی برابر کفایت نمی‌کند، بلکه باید اطمینان حاصل شود که این فرصت‌ها به نتایج آموزشی برابری هم منجر می‌شود. اما اگر نتایج آموزشی بین گروه‌های دانش‌آموزی نابرابر باشد به طوریکه عده‌ای اقدام به ترک تحصیل کنند، می‌توان گفت این امر مظهر نابرابری در توزیع فرصت‌های آموزشی مشابه در اختیار همگان و بی‌عدالتی آموزشی می‌باشد.

در ادامه نظریه مقاومت ژيرو (۱۹۸۳) نیز ادعا دارد که منظومه‌ای از کژکارکردها در فرایند تعلیم و تربیت که برخاسته از روابط سلطه و قدرت است، موجب می‌شود آستانه تحمل دانش‌آموزان مشکلات را برنتابد و انصراف از تحصیل را به مثابه کنشی مقاومت-طلبانه در برابر این سیستم به کاربرند. به عبارت دیگر آموزش و پرورش با کیفیت ضعیف آموزشی و امکاناتی، موجب اختلال در کارکردهای تخصصی خود مانند انتقال و ارتقای دانش، پرورش نیروی ماهر و تسهیل فرایند ورود به اشتغال، می‌شود (پوردیو، ۲۰۱۱) و مادامی که فاقد عملکردهای اصولی در سطح فردی و جمعی باشند و تطابق میان انتظارات، نیازها، و تجربیات دانش-

آموزان وجود نداشته باشد، انصراف از تحصیل به مثابه یک کنش اجتماعی فعال برخاسته از مقاومت از سوی دانش‌آموزان اتخاذ می‌شود.

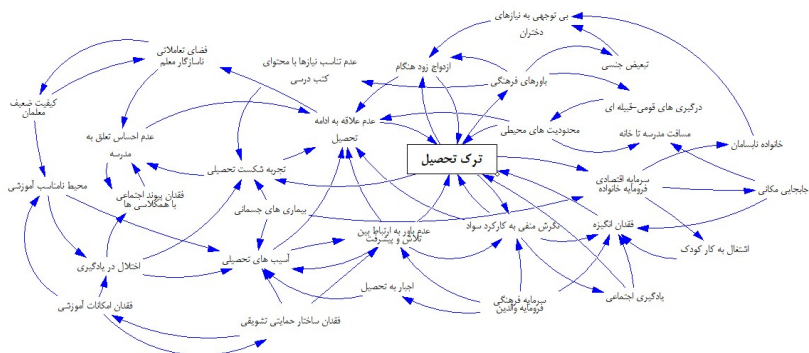
از سوی دیگر ضعف نهاد و ساختارهای سیاسی و اقتصادی در حمایت از آموزش و پرورش و ایجاد اشتغال (عجم‌اوغلو و رایبسون، ۱۴۰۱)، و اختلال در عملکرد زیرسیستم‌های جامعه، سبب بروز ادراک بین‌ذهانی مشترک درخصوص کم‌بها بودن تحصیل و عدم امکان تبدیل آن به سرمایه اقتصادی شده‌است؛ این امر سبب ترک تحصیل شده و با هدر رفت منابع انسانی، اختلال در مسیر توسعه ایجاد می‌کند و هزینه‌های بیشماری برای دولت‌ها همراه دارد (همان)؛ زیرا که افراد حامل سرمایه فکری هستند و شکوفا شدن آنها وابسته به نهاد آموزش و پرورش است، در حالیکه ترک تحصیل موجب هدررفت و محرومیت جامعه از سرمایه انسانی شده و امکان بهره‌وری از آنها را پایین می‌آورد. در این خصوص سن (۱۳۸۱) در نظریه قابلیت‌های انسانی خود اشاره داشت که توسعه انسانی و عدالت اجتماعی، تنها با تمرکز صرف بر منابع یا درآمد نبوده، بلکه باید به قابلیت‌های افراد و فرصت‌هایی که به آنان داده می‌شود نیز توجه داشت. در حالیکه ترک تحصیل به دلیل عدم در دسترس بودن فرصت‌های تحصیلی و امکانات آموزشی از سوی نهاد آموزش و پرورش، با محدود کردن توانمندی‌های فردی افراد، مانعی بر پرورش قابلیت‌های آنان و توسعه انسانی و اجتماعی جوامع می‌شود.

ترک تحصیل هرچند که مکانیزمی در واکنش به مشکلات موجود است و پیامدهایی در سطح کلان دارد، اما با محرومیت منابع انسانی از سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده (سوندبرگ، ۱۳۹۸: ۳۴۹)، می‌تواند فرد را در برخورداری از سرمایه اقتصادی نیز با مشکل روبرو سازد و پیامدهایی در سطح فردی داشته باشد؛ در واقع همانطور که بورديو اشاره می‌کند سرمایه‌ها درهم‌تنیده هستند و قابلیت تبدیل و هم‌افزایی یکدیگر را دارند (بورديو و پاسرون، ۱۹۷۷)؛ سرمایه فرهنگی با بکارگیری در اشتغال، قابلیت تبدیل به سرمایه اقتصادی را دارد و یا می‌تواند سبب بهبود جایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد شود (ریتر، ۱۳۷۴: ۷۲۸)؛ در حالیکه محرومیت از آن، فرد را در چرخه محرومیت اقتصادی نیز قرار می‌دهد و می‌تواند میزان آسیب‌پذیری افراد را در برابر مسائل اجتماعی، بالا ببرد.

در خصوص مداخله و ارائه راهبرد برای این مسئله، تحقیقات مختلف به شناسایی عوامل خطر در سطح فردی، میانه و کلان اشاره داشته‌اند. اما باید توجه داشت به دلیل اینکه عوامل موثر بر ترک تحصیل، به تنهایی سبب این وقوع این مسئله نمی‌شوند، بلکه در برهم‌کنشی با یکدیگر نیز قرار دارند، بنابراین جهت ترسیم نقشه راه برای ذینفعان این حوزه، لازم است نگاهی همه‌جانبه و سیستمی به شبکه عوامل موثر بر این مسئله داشته باشیم. در ضرورت نگاه سیستمی باید گفت برای مثال در برخی تحقیقات به سرمایه اقتصادی فرومایه والدین اشاره شده است (یاری، ۱۴۰۰)، اما نگاه غیرسیستمی و جزنگر تلاش می‌کند راهکار حمایت‌های اقتصادی ارائه دهد؛ اما در این میان در صورتیکه عوامل درون مدرسه مانند عدم علاقه به محتوای کتب درسی، ناکارآمد بودن محتوا و فضای تعاملاتی ناسازگار با معلم، همچنان وجود داشته باشد (اقدسی و زینال‌فام، ۱۳۹۱)، حمایت‌های اقتصادی نیز موثر نخواهد بود و چه بسا در جهت دیگری غیر از آموزش مصرف شده و همچنان از توجه به مسئله بازماند.

اساسا نگاه سیستمی قصد دارد به این بپردازد که ارائه راهکار با تمرکز به یک بخش از مسئله، می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی نشده همراه داشته باشد. در خصوص بکارگیری چنین رویکردی لازم است پس از شناسایی مسئله با توجه به عوامل موثر بر بروز آن و گروه‌های هدف و ذینفعان، به اولویت‌بندی عوامل پرداخته و سپس به ترسیم شبکه اثرات متقابل عوامل موثر بر ترک تحصیل در قالب مدل بپردازیم. ترسیم این مدل، پویایی و درهم‌تنیدگی عوامل موثر را نشان می‌دهد و امکان انتخاب مداخله مناسب را فراهم می‌سازد. بنابراین در این تحقیق تنها جهت روشن نمودن وجه پیچیده بودن، درهم‌تنیدگی و کنش متقابل عوامل موثر و جلوگیری از نگاه‌های جزئی و غیرسیستمی، تلاش شد به ترسیم شبکه روابط عوامل موثر بر ترک تحصیل بپردازیم. بر این اساس، با توجه به اینکه عوامل موثر در برهم‌کنشی باهم هستند، مداخله در یک متغیر می‌تواند به طور غیرمستقیم در متغیر یا متغیرهای دیگر

اثربخشی داشته باشد و سبب کاهش اثر منفی متغیرهای دیگر شود و یا در صورت ناکارآمد بودن مداخله، نه تنها بر عامل مورد مداخله، بلکه بر سایر عوامل مرتبط با آن نیز اثر منفی گذاشته و یا اثر منفی را شدت ببخشد. از این رو تحقیقاتی با رویکرد سیستمی وکل‌گرا، با توجه به مجموع اجزاء، روابط و برهمکنشی میان آنها که امکان مداخله و مدیریت موثر این مسئله را فراهم آورد، پیشنهاد می‌گردد. در پایان باید به مسئله زمان مداخله نیز توجه داشت؛ به عبارت دیگر در صورتی که پدیده ترک تحصیل رواج یابد و عادی‌سازی شود، جلوگیری از آن بسیار دشوار خواهد بود؛ از این رو زمان مناسب برای پیشگیری و زود هنگام بودن آن، حائز اهمیت است.



نمودار ۳. شبکه علی تعیین کننده های ترک تحصیل

منابع

- افدسی، علی نقی؛ و زینال فام، افسانه (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی موثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش آموزان دختر دبیرستان های شهرستان مایندآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹، آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۱۷(۵): ۱۱۳-۱۳۰.
- یمینی باغ، علی؛ بارخدا، جمال؛ و شیربگی، ناصر (۱۴۰۲). واکاوی عوامل ترک تحصیل دانش آموزان مددجوی کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان سندج و راهکارهای مقابله با آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، ۶۹: ۱۶۹-۱۹۶.
- بوریدی، بی‌بی (۱۳۹۶). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی. ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
- بهارلو، فیروزه؛ و بهروز، فاطمه (۱۳۹۸). راهکارهای عملی مدیریت کلاس درس در مدارس ابتدایی، پژوهشنامه اورمزد، ۴۷: ۲۷-۵۴.
- بیژنوند، سارا؛ فیروزآبادی، سید احمد؛ و صادقی، رسول (۱۴۰۱). تفاوت‌های روستا-شهری ازدواج و ترک تحصیل دختران در دوره متوسطه دوم (دبیرستان)، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۷(۳۳): ۵۱-۷۶.
- چوپانیناطوسی، محمدابراهیم (۱۳۸۲). بررسی علل ترک تحصیل و افت تحصیلی دانش‌آموزان شبانه‌روزی‌های استان خراسان، مذكرات اجتماعی، ۱۴: ۴۲-۵۲.
- حسینی، ابوالفضل، و مجدلی، علی اکبر. (۱۴۰۳). اینرسی سازمانی در ایران: یک مرور سیستماتیک. مدیریت سازمان‌های دولتی، ۱۳ (۴۹): ۹۳-۱۰۸.
- خرمیان، ساره (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر در ترک تحصیل و ارائه راهکارهای کاهش آن در دانش‌آموزان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان، بجنورد در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰، روانشناسی و علوم تربیتی، ۵۳: ۲۱۳-۲۵۶.

رضیانی، احمد (۱۴۰۲). شناسایی و اولویت بندی علل مؤثر بر ترک تحصیل دانش آموزان دختر دوره متوسطه دوم شهرستان تکاب، روانشناسی و علوم- تربیتی در هزاره سوم، ۳۷(۳): ۸۵۱-۸۶۱.

ریچارد، سوتدبرگ (۱۳۹۸). اصول جامعه‌شناسی اقتصادی. ترجمه: سمیرا کاظم‌پوریان، تهران: دنیای اقتصاد.

رینتز، جرج (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
زاهد بابلان، عادل و کریمیان پور، غفار (۱۴۰۳). واکاوی پدیده ی تحصیل گریزی در دانش آموزان مناطق مرزی ثلاث باباجانی: (مطالعه ای پدیدارشناختی). مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، ۱۳ (۱): ۲۱۷-۲۲۸.

زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۶). توسعه و نابرابری، تهران: نشر مازیار.

زمانی پور، سعید(۱۴۰۱). بررسی و مدیریت افت دانش آموزان در زمان کرونا و ترک تحصیل دانش آموزان بر اثر جدایی و طلاق والدین مقطع ابتدایی مناطق محروم استان اصفهان ناحیه ۳، پژوهش های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۳ (۱): ۴۰۰-۴۱۱.

سیدنامه، بهروز؛ مومنی، حسن؛ و سلیمان نژاد، محمد (۱۳۹۵). شناسایی دلایل ترک تحصیل دانش آموزان مقطع ابتدایی منطقه آموزش و پرورش موسیان (نواحی روستایی)، توسعه محلی (روستایی - شهری)، ۱۸(۱): ۱۶۷-۱۹۸.

سن، آمارتیا (۱۳۸۱). توسعه یعنی آزادی. ترجمه: محید محمودی، تهران: دستان.

سنجری فر، علی اصغر (۱۴۰۰). بررسی رابطه وضعیت اقتصادی و کسب و کار والدین با ترک تحصیل فرزندان، مدیریت کسب و کارهای دانش‌بنیان، ۲ (۱): ۷۹-۸۸.

سیاح، علی؛ و چراغی، مهدی (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر افراد بازمانده از تحصیل در دانش آموزان دوره دوم متوسطه روستاهای استان زنجان، نشریه پژوهش های جغرافیای اقتصادی، ۲(۶): ۷۶-۹۴.

شاهمحمدی، انور؛ و بهمنی، مهری. (۱۳۹۹). واکاوی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی با رویکرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد: مورد استان کردستان، تدریس پژوهی، ۳۸(۳): ۱۹۴-۱۷۱.

صیادیان برخوردار، محدثه؛ و عنبری، موسی (۱۴۰۱). رسم کودک همسری و نابرابری در آموزش رسمی دختران روستایی (مطالعه روستاهای شهرستان الشتر)، نشریه نامه انسان شناسی، ۱۹ (۳۵): ۱۳۶-۱۱۱.

ظله‌وند، راضیه؛ کیامنش، علیرضا؛ خسروی، زهره؛ و اخوان تفتی، مهناز(۱۳۸۹). رابطه درگیری مدرسه ای با عملکرد تحصیلی و گرایش به ترک تحصیل در دانش آموزان دوره راهنمایی، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۰۲: ۴۹-۷۰.

عارفی، مرضیه (۱۳۸۲). شناسایی متغیرهای اثرگذار بر ترک تحصیل زود هنگام دختران دوره راهنمایی تحصیلی، زن در توسعه و سیاست، ۲(۳): ۱۴۷-۱۶۱.

عجم‌اوغلو، دارون؛ و رایبسون، جیمزای (۱۴۰۱). چرا ملتها شکست می‌خورند؟ ریشه‌های قدرت، ثروت و فقر. ترجمه: محسن میردامادی، محمدحسین نعمی‌پور، تهران: ستاره سبز.

عزیززاده هادی (۱۳۷۰). الگوی برای محاسبه تعداد تارکان تحصیل: بررسی وضعیت ترک تحصیل در دوره متوسطه در سال تحصیلی ۶۸ - ۱۳۶۷، تعلیم و تربیت، ۲۶: ۱۰۱-۱۱۰.

غلام پور، مینو؛ و آیتی، محسن (۱۳۹۸). روایت پژوهی ترک تحصیل دانش آموز دختر روستایی، پژوهش‌نامه زنان، ۱۰(۳۰): ۴۹-۷۰.

فرضی زاده، زهرا؛ طالب، مهدی؛ و متوسلی، محمود (۱۳۹۶). بررسی موانع تحصیل دختران روستایی (پژوهشی کیفی)، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۳۳(۱): ۱۱۵-۱۳۴.

کانتتری، رباب، باقری پرمهر، شعله و موسوی نیک، سیدهادی (۱۴۰۲). شناسایی کودکان در معرض بازماندگی از تحصیل در مقطع دبستان با بکارگیری یک مدل پروبیت. تحلیل های اقتصادی توسعه ایران، ۲۹(۳): ۲۵۱-۲۷۶.



- کلن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، منوچهر صیوری، تهران: نی.
- کیخا، فاطمه (۱۴۰۰). تأثیر بیماری والدین بر ترک تحصیل دانش‌آموزان ابتدایی، مطالعه روانشناسی و علوم تربیتی، ۲۲: ۴۳۷-۴۵۰.
- ماشینی، علی‌اصغر؛ و رهبر، مریم (۱۳۹۸). بررسی عوامل محیطی و اجتماعی موثر در ترک تحصیل در مناطق روستایی، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۲۲: ۱۸۱-۱۹۴.
- متقی، شکوفه؛ یزدی، سیده منور؛ بنی جمالی، شکوه السادات؛ و درويزه، زهرا (۱۳۹۳). ارتباط معلم - دانش آموز و تصمیم به ادامه یا ترک تحصیل: نقش واسطه ای: نقش واسطه های انگیزش خود تعیین گری و عملکرد تحصیلی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۲۷(۸): ۳۵-۵۸.
- مظفری قره بلاغ، صدیقه؛ و چراغی، مهدی (۱۴۰۱). شناسایی عوامل موثر بر ترک تحصیل دانش آموزان در مقطع متوسطه مناطق عشایر شهرستان ماهنشان، مطالعات برنامه ریزی قلمرو کوچ نشینان، ۲(۲): ۱۵۱-۱۶۰.
- موسوند، محبوبه؛ زارعان، منصوره؛ و کابلی، مریم (۱۴۰۲). تدوین الگوی ساختاری ترک تحصیل براساس یادگیری خودراهبر و عملکرد خانواده با میانجیگری ذهن آگاهی در میان دانش آموزان دختر، فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۲۲(۸۸): ۱۵۱-۱۷۱.
- یار احمدی، یحیی، یوسفی، ناصر و شیرینی، ناصر (۱۳۹۱). تدوین و آزمون یک مدل انگیزشی برای پیش‌بینی تصمیم دانش‌آموزان پایه‌ی سوم راهنمایی و اول دبیرستان مناطق روستایی شهرستان سنجند به ادامه یا ترک تحصیل در دوره‌ی دبیرستان. دست‌آوردهای روان‌شناختی، ۱۹(۱): ۹۸-۸۱.
- یاری، علی (۱۴۰۰). مدیریت و واکاوی عوامل موثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس ابتدایی پسرانه و دخترانه شهرستان زرین دشت در دوران شیوع بیماری کرونا، نشریه پژوهش‌های نوین در مدیریت کارآفرینی و توسعه کسب و کار، ۲(۴): ۳۶-۵۱.

Ali, K., Yaseen, M. R., Makhdom, M. S. A., Qudoos, A., & Sardar, A. (2021). Socioeconomic determinants of primary school children dropout: a case study of Pakistan. *International Journal of Educational Management*, 35(6), 1221-1230.

Azelama, B. A., & Osumah, O. A. (2022). Relationship between academic staff withdrawal behaviours and administrative effectiveness of heads of department of universities, *International Journal of Research in Counseling and Education*, 6 (1), 17-26.

Bourdieu, P. & Passeron, J. C. (1977), *Reproduction in education, society and culture*. (R. Nice, Trans.), London: Sage Publications.

Bowen, J. (2003). *A History of Western Education* (Volumes 1, 2 and 3) (1st ed.). Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203463871>

Branson, Nicola, Clare Hofmeyr, and David Lam. 2014. "Progress Through School and the Determinants of School Dropout in South Africa." *Development Southern Africa* 31 (1): 106-126.

Brundtland, G. H., & Mansour, K. (2010). *World Commission on Environment and Development* (WCED). 1987. *Our common future*, 2010.

Chang, D. (2017). What is the safety and efficacy of platelet-rich plasma in adults pertaining to wound healing and aesthetic rejuvenation. *Cosmetol & Oro Facial Surg*, 3(119): 2.

Chapman, C., Laird, J., & KewalRamani, A. (2011). Trends in high school dropout and completion rates in the United States: 1972-2009 (NCES 2012-006). Washington, DC: National Center for Educational Statistics. Retrieved from <http://nces.ed.gov/pubsearch>.

Christle, C. A., Jolivette, K., & Nelson, C. M. (2007). School Characteristics Related to High School Dropout Rates. *Remedial and Special Education*, 28(6), 325-339. <https://doi.org/10.1177/07419325070280060201>

- Coleman, J. S. (1968). Equality of educational opportunity. *Integrated education*, 6(5), 19-28.
- Ecker-Lyster, M., & Nielekela, C.R. (2016). Keeping Students on Track to Graduate: A Synthesis of School Dropout Trends, Prevention, and Intervention Initiatives. *Journal of At-Risk Issues*, 19, 24-31.
- Fortin, L., Marcotte, D., Potvin, P., Royer, É. & Joly, J. (2006). Typology of students at risk of dropping out of school: Description by personal, family and school factors. *European Journal of Psychology of Education*, 21(4), 363-383.
- Franklin, B. J. & Trouard, S. B. (2016). Comparing Dropout Predictors for Two State-Level Panels Using Grade 6 and Grade 8 Data. *Journal of Educational Research*, 2016, Vol. 109(6), pp. 631-639.
- Giroux, H. (1983), *Theory & resistance in education*. Massachusetts: Bergin & Garvey.
- <https://www.worldbank.org/en/topic/education/overview>
- Jones-Esan, L. (2022). Public-Private Participation in Funding University Education in Sub-Saharan Africa: A Nigerian Case-Study for Sustainable Development. *IntechOpen*. doi: 10.5772/intechopen.99940
- Hutton, B., Salanti, G., Caldwell, D. M., Chaimani, A., Schmid, C. H., Cameron, C., ... & Moher, D. (2015). The PRISMA extension statement for reporting of systematic reviews incorporating network meta-analyses of health care interventions: checklist and explanations. *Annals of Internal Medicine*, 162(11), 777-784.
- Kearney, C. A. (2008). School absenteeism and school refusal behavior in youth: A contemporary review. *Clinical Psychology Review*, 28, 451-471.
- Kern, L., Evans, S. W., Lewis, T. J., Talida, M., Weist, M. D. & Wills, H. P. (2015). CARS Comprehensive Intervention for Secondary Students with Emotional and Behavioral Problems: Conceptualization and Development. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, Vol. 23, Iss. 4, (Dec 2015): 195-205.
- Khupe, M., Ncube, D.D. and Moyo, S. (2015), An Assessment of Factors Contributing to High Secondary School Pupils Dropout Rate in Zimbabwe, Vol. 3, ISSN: 2394-5788.
- Kotok, S., Ikoma, S. & Bodovski, K. (2016). School Climate and Dropping Out of School in the Era of Accountability. *American Journal of Education*, Aug 2016, Vol. 122(4), pp. 569- 599.
- Lessard, A., Butler-Kisber, L., Fortin, L. & Marcotte, D. (2014). Analyzing the Discourse of Dropouts and Resilient Students. *Journal of Educational Research*, Vol. 107, Iss. 2: 103- 110.
- Mennen, O. K., Weybright, C. W., & Aldridge, N. S. (2022). Effects of child abuse on school dropout among students in USA. *Journal of Education*, 5(2), 1-10.
- Oguzor, N.S. (2014). Managing Higher Education for Sustainable Development in Nigeria: Implications for Policy Challenges. *Journal of Economics and Business Research*, 17, 25-35.
- Okidi, J.A., Ssewanyana, S., Bategeka, L. and Muhumuza, F. (2004), "Operationalising pro-poor growth: a country case study on Uganda", available at: <http://www.businessenvironment.org/dyn/be/docs/98/oppuguganda.pdf>.
- Okumu, I.M., Nakajjo, A. and Isoke, D. (2008), "Socio-economic determinants of primary school dropout: the logistic model analysis, Economic Policy Research Center", MPRA Paper No. 7851, available at: <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/7851/>.
- Pickering, C., & Byrne, J. (2014), the benefits of publishing systematic quantitative literature reviews for PhD candidates and other early-career researchers. *Higher Education Research and Development*, 33(3), 534-548.



- Rosalina, P. D., Dupre, K., & Wang, Y. (2021), rural tourism: A systematic literature review on definitions and challenges. *Journal of Hospitality and Tourism Management*, 47, 134-149.
- Sakti, A. D., Rahadiano, M. A. E., Pradhan, B., Muhammad, H. N., Andani, I. G. A., Sarli, P. W., ... & Wikantika, K. (2021). School location analysis by integrating the accessibility, natural and biological hazards to support equal access to education. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 11(1), 12.
- Sweeten, G., Bushway, S. D., & Paternoster, R. (2009). Does dropping out of school mean dropping into delinquency? *Criminology: An Interdisciplinary Journal*, 47(1), 47–91.
- UNESCO (2020), Crisis-sensitive Educational Planning. Education Sector issue notes no 2.4, UNESCO COVID-19 Education Response
- USAID (2015). "School Dropout Prevention Pilot Program: Reaching at-Risk Students to Ensure They Stay in School." In.
- Wagner, F., Wagner, R. G., Makuapane, L. P., Masango, M., Kolanisi, U., & Gómez-Olivé, F. X. (2024). Mental distress, food insecurity and university student dropout during the COVID-19 pandemic in 2020: evidence from South Africa. *Frontiers in psychiatry*, 15, 1336538.
- Webb, O. J., & Cotton, D. R. E. (2018). Early withdrawal from higher education: a focus on academic experiences. *Teaching in Higher Education*, 23(7), 835–852.
- Whittemore, R., & Knafl, K. (2005). The integrative review: updated methodology. *Journal of advanced nursing*, 52(5), 546-553.
- Zacks, S., & Hen, M. (2018). Academic interventions for academic procrastination: A review of the literature. *Journal of Prevention & Intervention in the Community*, 46(2), 117–130.



Determinants of Student Dropout in Iran: A Systematic Review

Mohsen Noghani Dokht Bahmani^۱ and Mahla Mohammadi^{۲*}

Abstract

Education, as one of the key indicators of social development, plays a crucial role in the national growth and progress of countries. However, the prevalence of student dropout, particularly in developing nations, poses significant challenges at micro, meso, and macro levels, potentially hindering development goals and leading to wasted resources. This study employs a systematic review approach, analyzing 27 domestic studies that were selected through a structured protocol to identify the key determinants of student dropout. Findings indicate that the factors influencing dropout fall into two main categories: In-school factors, which include educational space challenges, socio-cultural and individual issues, with educational factors being the most frequently cited. Out-of-school factors, which encompass low cultural and economic capital, personal, social, and environmental security challenges, with cultural factors being the most frequently cited. To develop effective interventions and strategies, it is essential to recognize that these factors do not independently lead to dropout but rather interact dynamically. Therefore, dropout prevention strategies should adopt a systemic approach, considering the network of causal relationships among these determinants. Future research should take a holistic perspective, analyzing the interplay between different components and stakeholders to enable effective intervention and management of this issue.

Keywords: Dropout, Systemic Approach, In-school Factors, Out-of-school Factors

^۱. Professor, Department of Social Sciences. Faculty of Literature and Humanities. Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad. Iran. noghani@um.ac.ir

^۲. Corresponding author. PhD student in Economic Sociology and Development. Department of Social Sciences. Faculty of Literature and Humanities. Ferdowsi University of Mashhad. Mashhad. Iran. mahla.mohammadi@alumni.um.ac.ir